

## طرح‌های اقتصادی ترکیه در آسیای مرکزی و پیامدهای آن بر ایران

محمد فرهادی<sup>۱</sup>

### چکیده

پژوهش حاضر درصدد واکاوی طرح‌های اقتصادی ترکیه در آسیای مرکزی از منظر فرصت‌ها و تهدیدها برای ایران است؛ لذا با استفاده از روش تحلیل مضمون و از نوع ماتریس مضمون به واسطه انجام مشاهده غیرمستقیم (واکاوی متون)، داده‌های پژوهش به صورت روش نمونه‌گیری هدفمند از روی متون موجود گردآوری و از طریق کدگذاری موضوعی، مضامین فرصت‌ها و تهدیدهای طرح‌های اقتصادی ترکیه در آسیای مرکزی برای ایران، شناسایی و در نهایت برحسب وجوه اشتراک و افتراق با یکدیگر مقایسه و تحلیل شدند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که طرح اقتصادی «شورای ترکی در آسیای مرکزی» برای ایران این فرصت‌ها را داشته است: الف. داشتن هم‌گرایی‌های فرهنگی - تاریخی و راهبردهای امنیتی مشترک در آسیای مرکزی؛ ب. فقدان مقبولیت کامل ترکیه در منطقه آسیای مرکزی و روسیه. همچنین تهدیدهای طرح مذکور عبارت‌اند از: الف. تمایل و همکاری ترکیه با سیاست‌های آمریکا و غرب در منطقه آسیای مرکزی؛ ب. ناهم‌خوانی الگوی فرهنگی و توسعه ایران و ترکیه در آسیای مرکزی. علاوه بر آن، طرح اقتصادی - انرژی «شورای ترک - راه ابریشم جدید» در آسیای مرکزی برای ایران به ترتیب این فرصت‌ها و تهدیدها را داشته است: ایجاد موازنه در منطقه با نقش‌آفرینی امنیتی ایران، افزایش قدرت اقتصادی ترکیه و تضعیف موقعیت ژئوپلیتیک و اقتصادی - ترانزیتی ایران.

▪ **واژگان کلیدی:** آسیای مرکزی، ترکیه، تحلیل مضمون، تهدیدها، فرصت‌ها، طرح‌های اقتصادی.

درجه مقاله: علمی - پژوهشی

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۱۰/۲۰

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۹/۰۶

<sup>۱</sup>. دکتری مطالعات منطقه‌ای گرایش روسیه و آسیای مرکزی، علوم آکادمیک تاجیکستان

## مقدمه

ترکیه طی سالیان متمادی با جغرافیای در حال گذار آسیای مرکزی در ارتباط بوده و روابط اقتصادی، سیاسی و فرهنگی پیچیده‌ای با مناطق همسایه خود داشته است. از زمان به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه در ۲۰۰۲، آنکارا تلاش کرده است سیاست فعالانه‌ای در قبال مناطق پیرامونی خود اتخاذ کند (Efe & Akyurt, 2017: 46-64). متناسب با این وضعیت، سیاست آسیای مرکزی ترکیه، در وهله اول، مبتنی بر ترک‌گرایی یا توران‌گرایی بود که به صورت غیر منسجم و شتاب‌زده‌ای مطرح و اجرا شد. این سیاست‌ها، انتقادات و اتهام زنی روسیه و ایران را در پی داشت و حتی گفتمان جهان ترک، در این منطقه با شکست مواجه شد؛ چرا که این کشورها در نخستین سال‌های پس از استقلال به دنبال تقویت هویت ملی ویژه خود بودند و قرار گرفتن در قالب جدیدی با ساختار هویتی فراملی، برای آن‌ها جذابیتی نداشت. به موازات آن، ترکیه نیز در سال‌های بعدی، این سیاست خود را تغییر داد و بیشتر به سمت همکاری‌های اقتصادی متمایل شد (Aras & Fidan, 2018: 202)؛ چرا که جمهوری‌های تازه تأسیس از بابت هر نوع تسلط فرهنگی-دینی ترکیه به عنوان برادر بزرگ‌تر بر امور خود به شدت نگران بودند و به همین دلیل رابطه‌ای محدودتر و در سطحی برابرتر را ترجیح می‌دادند و علاوه بر آن نیز کشورهای تازه استقلال‌یافته آسیای مرکزی تمایلی نداشتند سلطه روسیه را با ترکیه جایگزین کنند. درعین حال تلاش کردند که سیاست خارجی متوازنی را به اجرا درآورند تا استقلال خود را تضمین کنند و درعین حال صادرات نفت و گاز خود را از طریق ترکیه افزایش دهند. این موارد سبب تغییر جهت در سیاست خارجی ترکیه از نگرش «پان‌ترکیسم» به «نگرش اقتصادی» شد.

در خصوص اهمیت پژوهش حاضر می‌توان بیان داشت واکاوی تهدیدها و فرصت‌های حضور ترکیه در آسیای مرکزی برای ایران بسیار حائز اهمیت است؛ زیرا به دست‌اندرکاران حوزه سیاست‌گذاری و امنیتی در جهت ترسیم محیط مناسب امنیتی از منطقه بر اساس روند تحولات جاری و آینده و همچنین ارتباط بین حضور ترکیه در منطقه و تهدیدها و فرصت‌های منطقه‌ای آن در متن منافع ملی ایران و منافع کشورهای آسیای مرکزی کمک می‌کند. در خصوص ضرورت این پژوهش نیز باید گفت که گسترش حضور ترکیه در منطقه ضمن تشدید رقابت می‌تواند از حیث ترانزیت انرژی و حمل‌ونقل کالا و برنامه‌های اقتصادی به رقیبی جدی برای ایران تبدیل شود و منافع ملی ایران را با چالش اساسی روبه‌رو سازد؛ بنابراین، با توجه به مطالب بالا، پژوهش حاضر درصدد واکاوی طرح‌های اقتصادی ترکیه در

آسیای مرکزی از منظر فرصت‌ها و تهدیدها برای ایران بر اساس مطالعه‌ای کیفی است. پرسش‌های پژوهش عبارت‌اند از: پرسش اصلی: طرح‌های اقتصادی ترکیه در آسیای مرکزی چه فرصت‌ها و تهدیدهایی را برای ایران به دنبال دارد؟ پرسش‌های فرعی: چه طرح‌های اقتصادی از سوی ترکیه در آسیای مرکزی در حال اجرا هستند؟ فرصت‌های هر یک از طرح‌های اقتصادی ترکیه در آسیای مرکزی برای ایران کدام‌اند؟ تهدیدهای هر یک از طرح‌های اقتصادی ترکیه در آسیای مرکزی برای ایران کدام‌اند؟ وجوه اشتراک و افتراق و فرصت‌ها و تهدیدهای طرح‌های اقتصادی ترکیه در آسیای مرکزی برای ایران کدام‌اند؟

تحقیق حاضر از حیث ماهیت داده در زمره طرح کیفی و از نوع تحلیل مضمون قلمداد می‌شود. در تعریف مضمون می‌توان گفت: مضمون مبین اطلاعات مهمی درباره داده‌ها و پرسش‌های تحقیق است و تا حدی، معنی و مفهوم الگوی موجود در مجموعه‌ای از داده‌ها را نشان می‌دهد. از این منظر، تحلیل مضمون، روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است. این روش، واحدی برای تحلیل داده‌های متنی است و داده‌های متنوع و پراکنده را به داده‌های فنی و تفصیلی تبدیل می‌کند (Braun & Clarke, 2006: 77-101). تحلیل مضمون به روش‌های مختلف صورت می‌گیرد که در این تحقیق از ماتریس مضمون برای شناسایی و مقایسه مضامین فرصت‌ها و تهدیدهای طرح‌های اقتصادی ترکیه در آسیای مرکزی برای ایران استفاده شده است؛ بنابراین، با استفاده از روش تحلیل مضمون و از نوع ماتریس مضمون به واسطه انجام مشاهده غیرمستقیم یا واکاوی متون، داده‌های تحقیق به صورت روش نمونه‌گیری هدفمند از روی اسناد و مدارک موجود، سنتی و مجازی شامل: کتب، سایت‌ها، مقالات و پژوهش‌ها، گردآوری شده‌اند. آنگاه به واسطه کدگذاری موضوعی، داده‌های تحقیق کدگذاری و مضامین پایه‌ای، سازمان‌یافته و فراگیر فرصت‌ها و تهدیدهای طرح‌های اقتصادی ترکیه در آسیای مرکزی شناسایی و در نهایت بر حسب فرصت‌ها و تهدیدها و نیز وجوه اشتراک و افتراق با یکدیگر مقایسه و تحلیل می‌شوند.

علاوه بر آن، به منظور اعتبارسنجی مضامین و یافته‌های کیفی از روش ممیزی و تشکیل گروه کانونی استفاده شده است (فلیک<sup>۱</sup>، ۱۳۹۴: ۲۲۰). در روش اعتبارسنجی به شیوه ممیزی از کارشناسان و خبرگان مرتبط و اعمال نظر آن‌ها در رابطه با یافته‌های کیفی پژوهش استفاده شده است. علاوه بر آن، با تشکیل گروه کانونی متشکل از شش نفر از صاحب‌نظران و خبرگان حوزه‌های مطالعات منطقه‌ای و روابط بین‌الملل، به ارزیابی و کنترل

---

<sup>۱</sup>. Felik

یافته‌های کیفی تحقیق مبادرت شده است. همچنین به منظور پایایی سنجی یافته‌های کیفی از دو روش قابلیت تکرارپذیری و نیز قابلیت انتقال یا تعمیم‌پذیری استفاده شده است (ساروخانی، ۱۳۹۳: ۲۸۹؛ استراوس و کوربین<sup>۱</sup>، ۱۳۹۷: ۲۸۳ و ۲۸۴). بدین ترتیب، به منظور انجام قابلیت تکرارپذیری یافته‌های پژوهش کیفی از روش ضریب توافق بین دو کدگذار (محقق با محقق همکار) استفاده شده است و لذا ناهماهنگی‌های به‌وجود آمده از طریق بازنگری در فرایند کدگذاری داده‌ها مرتفع گردید. علاوه بر آن، به منظور قابلیت انتقال یا تعمیم‌پذیری یافته‌های پژوهش کیفی سعی شد تا حد امکان از روش نمونه‌گیری هدفمند به صورت منظم و جامع، از طریق واکاوی متون مختلف، استفاده شود تا نتایج از قابلیت تعمیم‌پذیری لازم برخوردار باشد. زرکانی و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «مقایسه تطبیقی فعالیت‌های اقتصادی ایران و ترکیه در آسیای مرکزی» بررسی کرده‌اند که ایران و ترکیه به عنوان دو قدرت منطقه‌ای، بلافاصله پس از فروپاشی شوروی تلاش‌های خود را جهت گسترش روابط سیاسی، اقتصادی، فرهنگی با کشورهای منطقه آغاز کردند. ظاهر امر نشان می‌دهد که ایران در ابتدای استقلال این جمهوری‌ها نفوذ بیشتری در منطقه آسیای - مرکزی داشته است؛ ولی با گذشت زمان و تقویت حضور ترکیه نقش ایران کم‌رنگ‌تر شده است. دهقانی فیروزآبادی و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «سیاست خارجی ترکیه در اوراسیای مرکزی؛ رویکرد دیپلماسی انرژی در ابعاد منطقه‌ای (۲۰۰۲-۲۰۱۴)» یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که با توجه به رشد اقتصادی ترکیه در یک دهه اخیر و نیاز روزافزون به واردات انرژی از یک سو و نیز موقعیت ژئواستراتژیک و ژئوپلیتیک مناسب این کشور به منظور تبدیل شدن به قطب انرژی دنیا از سوی دیگر، می‌توان ادعا کرد که مسئله انرژی مهم‌ترین عامل تأثیرگذار بر شکل‌دهی سیاست خارجی ترکیه نسبت به منطقه اوراسیا در سال‌های اخیر بوده است.

زیباکلام و گودرزی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «سیاست خارجی ایران و ترکیه در آسیای مرکزی (امکان سنجی روابط راهبردی دو کشور بر مبنای مدلی تطبیقی)» نتیجه گرفته‌اند که اگر نقاط مشترک در سیاست منطقه‌ای دو کشور توسط دولتمردان شناسایی شوند، همکاری‌های این دو کشور به عنوان دو قطب مهم منطقه آسیای مرکزی می‌توانند در بلندمدت زمینه‌های هم‌پیوندی اقتصادی و هم‌گرایی سیاسی را نه تنها در منطقه آسیای مرکزی بلکه حول دیگر مناطق پیرامون دو کشور فراهم آورد. رفیع و مظلومی (۱۳۹۱) در

<sup>۱</sup>. Strauss and Corbin

مقاله‌ای با عنوان «موانع هم‌گرایی ایران و ترکیه در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز» نتیجه گرفتند که این دو کشور با وجود اشتراک‌های موجود با موانعی بر سر راه هم‌گرایی خود در آسیای مرکزی روبه‌رو هستند که بیشتر در حوزه‌های رقابت ایدئولوژیک و تقابل نقش‌های منطقه‌ای و رقابت اقتصادی است. زاکوپوف تیمور (۲۰۱۸) در مقاله‌ای با عنوان «مفهوم آسیای مرکزی در سیاست خارجی ترکیه» به تهدیدهایی اشاره کرده است؛ از جمله ایجاد استخر انرژی مستقل در منطقه، تلاش در جهت ساخت فرهنگی ترکی-اسلامی و تلاش در جهت یکپارچگی سیاسی دولت‌های این منطقه از طریق ایجاد نهادهای مناسب. زیشان فیدا (۲۰۱۸) در مقاله‌ای با عنوان «جایگاه آسیای مرکزی در سیاست خارجی ترکیه» به فرصتهایی از جمله رقابت ترکیه با چین در بحث طرح کمربند - راه و همچنین رقابت با روسیه بر سر انرژی و نفوذ در آسیای مرکزی اشاره کرده است.

بحث بررسی حضور اقتصادی ترکیه در آسیای مرکزی موضوعی بسیار مهم و حائز اهمیت از این حیث است که این حضور اولاً، موقعیت ژئوپلیتیک منطقه را دچار تغییر و تحول کرده و نوعی دسته‌بندی و ائتلاف در منطقه ایجاد کرده است. دوماً، این حضور می‌تواند تهدیدها و فرصت‌های زیادی برای منافع ملی ایران در بر داشته باشند؛ از این‌رو پژوهش حاضر تلاش می‌کند ضمن بررسی حضور اقتصادی ترکیه در ابعاد مختلف در آسیای مرکزی، تهدیدها و فرصت‌های آن‌ها را برای منافع ملی ایران واکاوی نماید.

### چارچوب مفهومی

در ساختار نوین اقتصاد سیاسی بین‌المللی، برای قدرت‌های هژمون از میان سه رکن مادی تحکیم قدرت هژمون، یعنی سلطه بر منافع انرژی، حاکمیت بازار آزاد در اقتصاد سیاسی بین‌المللی و نظام مالی بین‌المللی باثبات، انرژی و خط لوله انتقال انرژی، از ارکان مهم سازنده هژمونی و سازوکارهایی است که دولت‌ها را قادر می‌سازد تا در بازار تجارت جهانی، سهمی از تجارت خارجی را به خود اختصاص دهند. در این راستا، انرژی و خطوط لوله انتقال انرژی می‌توانند در راستای جذب سرمایه‌گذاری خارجی، فراهم‌نمودن بستری مناسب برای توسعه همکاری‌های منطقه‌ای، تقویت زیرساخت‌های اقتصادی، افزایش نفوذ و نیز نقش سیاسی کشورها به عنوان ابزار مهم دیپلماسی برای تحقق و پیشبرد اهداف اقتصادی، سیاسی و فرهنگی دوجانبه و چندجانبه کشورها و نیز تقویت همکاری‌های مشترک میان همسایگان و تثبیت صلح و ثبات منطقه‌ای، مؤثر واقع شوند. بر پایه چنین

تحولاتی از دهه ۱۹۸۰ به بعد، نظریه پردازانی همچون کوهن و گیلپین با استناد به نظریه‌هایی چون «ثبات مبتنی بر هژمونی» بر این باور قرار گرفتند که از آنجا که یکی از شاخص‌های بنیادین قدرت هژمونی در هر عصری، کنترل بر منابع، خطوط و مسیرهای انتقال انرژی است و با توجه به اینکه نفت، انرژی محسوب می‌شود، انرژی، قابل تبدیل به پول است، پول، کنترل می‌آفریند و کنترل نیز قدرت تلقی می‌شود؛ بنابراین، استیلا و برتری دولت هژمون، منوط به کنترل بر چهار دسته منابع است: ۱. کنترل بر منابع خام جهان و از جمله انرژی؛ ۲. کنترل بر منابع سرمایه‌ای جهان؛ ۳. کنترل بر بازارهای جهانی؛ ۴. کنترل بر تولید کالاهایی با ارزش افزوده بالا (صادقی، ۱۳۹۱: ۲۲۲). نظریه‌پردازان تصریح می‌کنند که ریشه‌های شکل‌گیری منازعات بین‌المللی در دوران پس از جنگ سرد، دچار چرخش اساسی از ایدئولوژی به رقابت بر سر تسخیر منابع طبیعی شده است واقعیتی که امروزه انرژی را هم به ابزار قدرت و هم به هدف قدرت در میان قطب‌های بزرگ اقتصادی و صنعتی جهان در اقتصاد سیاسی بین‌المللی تبدیل کرده است.

از منظر نهادگرایان، دولت‌ها اگرچه عقلانی و نفع‌محور هستند؛ اما با توجه به اینکه منافع مطلق (حساسیت به دستاوردهای دیگران) و نه منافع نسبی (حساسیت به دیگران) برای آن‌ها مهم است، همواره راهبرد همکاری را در حوزه‌های موضوعی مختلف بر رقابت و فرد محوری ترجیح می‌دهند. یکی از نکات مهم در چهارچوب نظریه نهادگرایی نئولیبرال که ریچارد هاس به آن اشاره می‌کند، سیاسی شدن تدریجی اهداف بازیگران است؛ یعنی اگرچه کنشگران ممکن است در ابتدا اهداف فنی و غیرمجادله‌انگیزی را در چهارچوب همکاری تعقیب کنند؛ اما به تدریج به این توافق می‌رسند که برای دستیابی به اهداف فنی-اقتصادی خود از تمام ابزارهای ممکن و در دسترس استفاده کنند که به آن «فرضیه تسری افقی-عمودی» یا «منطق گسترش‌یابنده» نیز گفته می‌شود که باعث تسری همکاری فراملی از بخشی به بخش دیگر به منظور فائق آمدن بر مسائل جدیدی می‌شود که از توافقات ابتدایی ناشی می‌شود (دانش‌نیا، ۱۳۹۰: ۱۴۹-۱۴۸).

ژئواکونومی، زمینه‌های جغرافیای اقتصاد یک کشور است که با رویکردی برون‌گرایانه بنیان‌های اقتصاد را در مناسبات قدرت تعریف و تعیین می‌کند. زمانی که بخشی یا تمام قابلیت‌های اقتصادی کشورها درگرو مسائل جغرافیایی باشد، اقتصاد جغرافیایی یا ژئواکونومی شکل می‌گیرد؛ یعنی آنجا که اقتصاد انگیزه رقابت‌های قدرتی است، ژئوپلیتیک قرائتی اقتصادی از وضعیت موجود ارائه می‌دهد و جنبه ژئواکونومیک به خود می‌گیرد؛ بنابراین،

ژئواکونومی، اثرگذاری عوامل یا زیربناهای اقتصادی در محیط کشوری، منطقه‌ای یا جهانی را در تصمیم‌گیری‌های سیاسی، رقابت‌های قدرتی و اثرگذاری این عوامل در ساختار شکل‌گیرنده ژئوپلیتیک منطقه‌ای یا جهانی مطالعه می‌کند (قلی‌زاده و زکی، ۱۳۸۷: ۲۷). درحالی‌که در دوران پیشین، برتری با مفاهیم نظامی و راهبردی یا همان ژئوپلیتیک بود، در عصر کنونی ژئواکونومی شکل متفاوتی از رقابت را وصف می‌کند که در آن برتری دولتی با پیش‌روی اقتصادی سنجیده می‌شود (محکویی و گودرزی، ۱۳۹۸: ۵۲۲-۵۲۱). فرایندهای ژئواکونومیک و ژئوپلیتیک پیرامون منطقه آسیای مرکزی با برخورد منافع قدرت‌های فرامنطقه‌ای و همچنین قدرت‌های منطقه‌ای، باعث توسعه الگوهای ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک در این منطقه شده و زمینه برای رقابت در مقیاس منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای میان کشورهای ترکیه و دیگر قدرت‌ها را فراهم آورده است؛ از این رو، می‌توان بیان داشت که انگیزه‌های مهمی که موتور محرک ترکیه برای دخالت یا مشارکت در منطقه آسیای مرکزی هستند، عبارت‌اند از محاسبات ژئوپلیتیک یا منافع اقتصادی یا در واقع ترکیب هر دو. اما این مقاله معتقد است که برهم‌کنشی میان اقتصاد و ژئوپلیتیک یکی از ویژگی‌های اساسی و زیربنایی اهداف و مقاصد ترکیه در آسیای مرکزی است؛ به این دلیل که وابستگی ترکیه به اقتصاد جهانی، نیاز این کشور به بازارهای بزرگ‌تر، تأمین مواد اولیه برای بسط نفوذ سیاسی یا اقتصادی و چشم‌اندازها برای استمرار حضور خود در مناطق مختلف می‌توانند انگیزه‌های مهم ترکیه در طراحی طرح‌های اقتصادی خود در منطقه باشند، موضوعاتی که چهارچوب مفهومی به درستی بر آن‌ها تأکید دارد.

### سیاست‌های اقتصادی ترکیه در قبال آسیای مرکزی

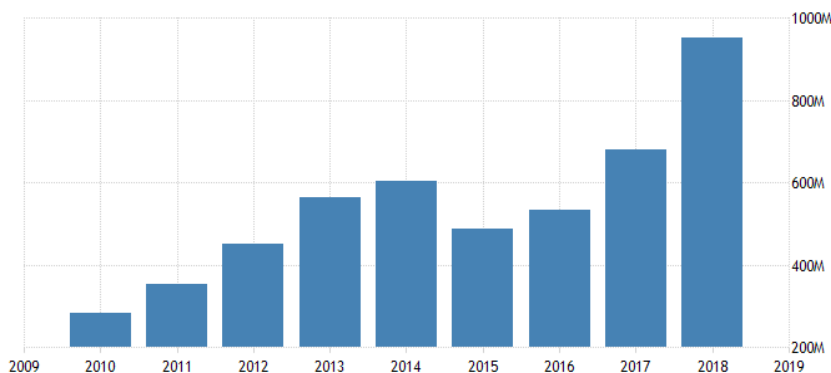
بعد از استقلال کشورهای آسیای مرکزی ترکیه تلاش کرد روابط خود را با این کشورها از سر گیرد. این مسئله ناشی از دو عامل اساسی بوده است: اول، ترکیه همواره سودای بازگشت به امپراتوری عثمانی داشته و منطقه و کشورهای ترک‌زبان واقع در آن می‌توانند در این زمینه به ترکیه کمک کنند؛ دوم، علاوه بر ظرفیت بالا به قول هانتینگتون، ترکیه بعد از فروپاشی امپراتوری عثمانی در واقع از مکه رو گرداند و گرایش به غرب به خصوص اتحادیه اروپا پیدا کرد؛ اما چون اینکه از سوی اتحادیه اروپا به عضویت پذیرفته نشد، بعد از سقوط شوروی به سوی شرق یعنی آسیای مرکزی روی آورد (بزرگمهری و طباطبائی، ۱۳۹۶: ۱۲۷-۱۲۶).

سیاست آسیای مرکزی ترکیه، در وهله اول، مبتنی بر ترک‌گرایی یا توران‌گرایی بود که به صورت غیرمنسجم و شتاب‌زده‌ای مطرح و اجرا شد و موجب گسترش دامنه واکنش‌ها

علیه ترکیه شد. به موازات آن، ترکیه نیز در سال‌های بعدی، این سیاست خود را تغییر داد و بیشتر به سمت همکاری‌های اقتصادی متمایل شد (Aras & Fidan, 2018: 202). با به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه در ۲۰۰۲، آنکارا تلاش کرده است تا سیاست فعالانه‌ای در قبال مناطق پیرامونی خود اتخاذ کند (Efe & Akyurt, 2017: 46-64).

در این راستا، شواهد نشان می‌دهند در حالی که در ۱۹۸۰ سهم تجارت از تولید ناخالص ترکیه تنها ۱۷/۱ درصد بود این میزان در ۲۰۰۸ به ۵۲/۳ درصد افزایش یافت (Seçkin, 2019: 2-7). حجم تجارت ترکیه با منطقه آسیای مرکزی در ۲۰۱۰ حدود ۶/۵ میلیارد و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ۴/۷ میلیارد دلار بود. این در حالی است که ارزش پروژه‌های تجاری ترکیه در این منطقه به تقریباً ۵۰ میلیارد در ۲۰۱۱ رسید که در این خصوص نزدیک دو هزار شرکت ترکیه در حال فعالیت هستند. در واقع، دسترسی ترکیه به بازارهای اتحادیه اروپا به نوبه خود باعث شده است که آنکارا توجه ویژه‌ای به کشورهای آسیای مرکزی معطوف نماید. به همین منوال، انجمن‌های تجاری مانند کنفدراسیون تاجران و صنعتگران ترکیه به طور فزاینده‌ای درصد کاربست ابتکارات و اعمال نفوذ خود در آسیای مرکزی هستند؛ به عنوان مثال، ارزش صادرات ترکیه به قزاقستان در ۲۰۱۲، حدود ۱/۰۶ میلیارد دلار بود و این رقم در ۲۰۱۸ به حدود ۲۰ میلیارد دلار رسید (Ahmet, 2020: 2-7). در خصوص ازبکستان نیز، حجم تجارت میان دو کشور در ۲۰۱۷، ۳۰ درصد و به حدود ۱/۵ میلیارد دلار در ۲۰۱۸ افزایش یافت و قرار بر این شد که در آینده به ۵ میلیارد دلار برسد. بدین ترتیب طی ماه‌های ژانویه تا نوامبر ۲۰۱۸، ترکمنستان ۶۷۳ میلیون دلار با ترکیه معامله تجاری داشته است (Seçkin, 2019: 3-7).

#### نمودار ۱. صادرات ترکیه به ازبکستان ۲۰۰۹-۲۰۱۸



(منبع: Trading Economics, 2020)



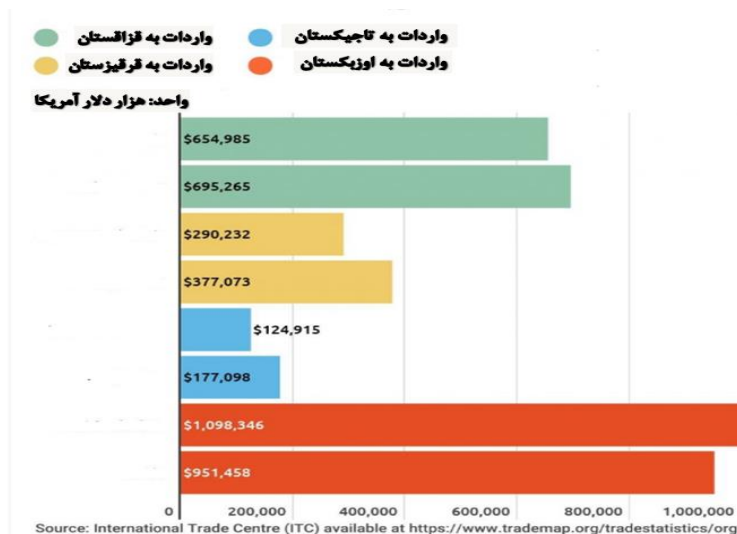
لازم به ذکر است که ترکیه استراتژی تأثیر خود بر تجارت و اقتصاد کشورهای هدف را بر اساس معرفی خود به عنوان کشوری ایده‌آل و مناسب برای تجارت استوار نموده است (Adinai, 2020: 3-9). نکتهٔ تحلیلی مهم و درخور اعتنا در این خصوص این است که به گفتهٔ مورگان لیو<sup>۱</sup>، کارشناس مسائل آسیای مرکزی، کشورهای این منطقه با ناامید شدن از ماهیت روابط با غرب، بر تعمیق روابط با روسیه و ترکیه، به عنوان کشورهایی که تمدن‌های نزدیک فرهنگی - تاریخی دارند، تأکید می‌کنند (Cornell & Starr, 2018).

در اواسط دسامبر ۲۰۱۸، در جریان نمایشگاه کالاهای کشورهای شورای ترک در عشق‌آباد، گزارش شد که سرمایه‌گذاری‌های ترکیه در منطقه از ۸۵ میلیارد دلار فراتر رفته است. در اکتبر ۲۰۱۷، رئیس‌جمهور ازبکستان، شوکت میرضیایف به ترکیه سفر کرد و در پایان آوریل ۲۰۱۸، رجب طیب اردوغان دیدار برگشت به تاشکند انجام داد. در جریان این مذاکرات، ۲۴ سند منعقد شد که شامل توافق‌نامهٔ همکاری در اقتصاد، تجارت، حمل‌ونقل، صنعت، انرژی، علم، آموزش و گردشگری است. گفتنی است که ارزش کل قراردادهای برای بیش از پنجاه پروژهٔ سرمایه‌گذاری جدید که در نتیجهٔ مذاکرات مذکور منعقد شد، حدود ۳ میلیارد دلار بوده است. به همین ترتیب، حجم تجارت میان دو کشور در ۲۰۱۷، ۳۰ درصد و به حدود ۱/۵ میلیارد دلار در ۲۰۱۸ افزایش یافت و قرار بر این شد که در آینده به ۵ میلیارد دلار برسد. است (Trading Economics, 2020: 3-6). بدین ترتیب، طی ماه‌های ژانویه تا نوامبر ۲۰۱۸، ترکمنستان ۶۷۳ میلیون دلار با ترکیه معاملهٔ تجاری داشته است. در ادامهٔ این روند و در دسامبر ۲۰۱۹، وزیر تجارت ترکیه، رخسار پکجان، در افتتاح نهمین نمایشگاه محصولات صادراتی کشورهای ترکی در عشق‌آباد اظهار داشت که پیمانکاران ترک در مجموع ۱۰۱۰ پروژه را در ترکمنستان به ارزش کل ۴۷/۷ میلیارد دلار به اتمام رسانده‌اند. تجارت ترکیه با قزاقستان و ترکمنستان با هشتصد شرکت ترکیه که در قلمرو آنها فعالیت می‌کنند، بیش از ۲ میلیارد دلار است. تجارت ترکیه با قرقیزستان بیش از ۵۰۰ میلیون دلار است. (Seçkin, 2019: 3-7). نمودار زیر درک بهتری از حجم مبادلات ترکیه با آسیای مرکزی ارائه می‌دهد.

---

<sup>1</sup>. Morgan Liu

## نمودار ۲: میزان واردات کشورهای آسیای مرکزی از ترکیه (۲۰۱۸)



در جمع‌بندی از بحث می‌توان بیان داشت که هم کشورهای آسیای مرکزی و هم ترکیه سعی در استفاده از ظرفیت ترانزیت و حمل‌ونقل خود در توسعه تجارت بین اروپا و چین دارند تا بتوانند در پروژه جاده ابریشم جدید، از جمله در تهیه کالاها و خدمات خود جایگاه ارزنده‌ای را به دست آورند. در وهله دوم، قزاقستان و ترکمنستان آماده تأمین انرژی اروپا در طول این مسیر در خاورمیانه هستند و ترکیه نیز مانع از تبدیل شدن خود به قطب اصلی انرژی اروپا نمی‌شود (Bilgin, 2017: 81-92).

### طرح اقتصادی: شورای ترکی (شورای همکاری کشورهای ترک‌زبان)<sup>۱</sup>

شورای ترکی با روند اجلاس سران کشورهای ترک‌زبان پس از انحلال اتحاد جماهیر شوروی در ۱۹۹۱، با مشارکت کشورهایی که با ترکیه ارتباط زبانی داشتند؛ یعنی جمهوری آذربایجان در قفقاز جنوبی و قزاقستان، ازبکستان، ترکمنستان و قرقیزستان در آسیای مرکزی شروع شد. در چهارچوب روند آغاز شده با ابتکارات ترکیه در ۱۹۹۲، «اجلاس سران کشورهای ترک‌زبان» برگزار شد. در نهمین اجلاس سران در نخجوان، ترکیه، جمهوری آذربایجان، قزاقستان و قرقیزستان توافق‌نامه نخجوان را در مورد ایجاد شورای همکاری

<sup>۱</sup>. Council Turkic (Cooperation Council of Turkic-Speaking States)

کشورهای ترک‌زبان با هدف نهادینه‌سازی روند فعلی امضا کردند. ساختار شورایی که به اختصار شورای همکاری کشورهای ترک‌زبان یا شورای ترک نامیده می‌شود، متشکل از شورای سران کشورها، شورای وزیران خارجه، کمیته مقامات ارشد، شورای بزرگان و دبیرخانه با دفتر مرکزی در استانبول بود.

**هدف سازمان:** این شورا از روز تأسیس حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، علمی، فرهنگی و گردشگری را مبنای همکاری میان کشورهای ترک‌زبان قرار داد. همچنین گام‌های فعالی را برای ایجاد و تقویت روابط میان دیاسپورای<sup>۱</sup> کشورهای عضو برداشت؛ بنابراین، هدف کلی شورای ترک تقویت اعتماد متقابل و همبستگی سیاسی در جهان ترک، تسریع در فرصت‌های همکاری اقتصادی و فنی، فراهم‌آوردن روابط انسانی با ساختارهای سالم و ثبت انباشت‌های تاریخی و فرهنگی جهان ترک در حد امکان است. در ۲۰۰۹ و در اولین جلسه رؤسای ساختارهای اداری، افراد مسئول در امور دیاسپورا کشورهای عضو «شورای ترک» (باکو)، «گروه تماس افراد مسئول در امور دیاسپورا» تأسیس شد، عملکردها و مراحل عملی آن با دیاسپورای کشورهای عضو در سند «استراتژی فعالیت‌های مشترک دیاسپورای کشورهای ترک‌زبان» قید شده است (Симаворян, 2018: 3-5). این شورا با هدف فعال کردن مشارکت، کار خود را روی موضوعات اصلی مانند تحکیم ظرفیت اقتصادی و تقویت روابط میان کارآفرینان متمرکز نمود؛ بنابراین، در یک جمع‌بندی اهم اهداف شورا به این شرح هستند: تقویت اعتماد متقابل و روابط دوستانه میان کشورهای شرکت‌کننده، توسعه رویکردهای مشترک در زمینه مسائل سیاست خارجی، هماهنگی اقدامات در مبارزه با تروریسم بین‌المللی، جدایی‌طلبی و افراطی‌گری، اطمینان از اوضاع مناسب برای تجارت و سرمایه‌گذاری، افزایش تعاملات در زمینه‌های علوم، فناوری، آموزش، مراقبت‌های بهداشتی، فرهنگ، ورزش و گردشگری و همچنین تقویت روابط در سطح رسانه‌ها و نظام‌های حقوقی.

### طرح اقتصادی - انرژی «شورای ترک - راه ابریشم جدید»

در ۲۰۱۴ در نتیجه چهارمین اجلاس شورا، بیانیه «شورای ترک - راه ابریشم جدید» به امضا رسید که بر طرح معوقه «راه ابریشم» ترکیه در ۲۰۰۸ استوار است. هدف اصلی این طرح، به‌کارگیری ترکیه به عنوان پلی میان کشورهای آسیای مرکزی و اروپا به منظور هم‌گرایی اقتصادی کشورهای عضو شورا است. در واقع، هدف این طرح اقتصادی - انرژی اتصال

<sup>۱</sup>. Diaspora

بازارهای اروپا و آسیا از طریق راه‌های ترانزیت ترکیه است؛ چرا که ظهور حوزه خزر به عنوان منبع درخور توجه انرژی، بعد جدید و مهمی به سیاست ترکیه در قبال آسیای مرکزی و قفقاز داده است؛ زیرا منابع خزر محصور در خشکی هستند و برای رساندن انرژی به بازارهای بین‌المللی، باید خطوط لوله جدید احداث شوند (Winrow, 2019: 145). اجرایی شدن این طرح از سوی ترکیه این نظر را مطرح کرده است که این طرح به نوعی اعلامی و غیررقابتی در رابطه با پروژه‌های معروف چینی «کمربند - راه» و همچنین رقیبی برای برنامه‌های ادغام روسیه در قالب «اتحادیه اقتصادی اوراسیا» به نظر رسد (Князев, 2016: 2-9). در راستای این مطالب می‌توان بیان داشت که اهمیت انرژی منطقه و رقابت قدرتهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای سبب شده است که ترکیه بعد از وقفه‌ای کوتاه دوباره طرح «شورای ترک - راه ابریشم جدید» را به جد دنبال کند و در آن دو طرح در حوزه ترانزیت انرژی را مدنظر قرار دهد:

نخست، جریان انرژی، بدین منظور همکاری بین کشورهای آسیای مرکزی، جمهوری آذربایجان، گرجستان و ترکیه در این چهارچوب‌ها ادامه می‌یابد: طرح خط لوله نفت باکو - تفلیس - جیحان و طرح جدید خط لوله گاز باکو - تفلیس - ارزروم که گاز آسیای مرکزی را از طریق خط لوله گاز ترنس آناتولی که در ۲۰۱۸ آغاز به کار کرد، به اروپا انتقال می‌دهد. دوم، جریان اقتصادی که «راه ابریشم ترکی» نام‌گذاری شده است، به دلیل خط لوله جدید انتقال ترنس آناتولی و راه آهن باکو - تفلیس - قارص کشورهای آسیای مرکزی از طریق دریای خزر به اروپا متصل می‌شوند (Косолапова, 2015: 3-9). در جمع‌بندی از این بحث می‌توان بیان داشت که اشاره به دو پروژه انرژی یعنی جریان ترک، خط لوله گاز ترنس آناتولی، خط لوله نفت باکو - تفلیس - جیحان که از منطقه ترکیه عبور می‌کنند و آن را به یک مرکز انرژی برای اروپا، اسرائیل و به طور کلی برای همسایگان کشور تبدیل می‌کند می‌تواند توجیه‌گر این مسئله باشد که ترکیه در نظر دارد یک جهان ترک با بازار مشترک ایجاد کند که دارای سیستم انرژی منطقه‌ای واحد و نظام حمل‌ونقل است که بتواند به یک اتحادیه سیاسی و اقتصادی مانند کمیسیون اروپا تبدیل شود (Мальшева, 2016). مسیر گازی که عمده مباحث ترانس خزر را در دو دهه گذشته به خود اختصاص داده، قرار است گاز ترکمنستان را از بندر ترکمن‌باشی از طریق بستر دریای خزر به بندر باکو منتقل کند و از آنجا به سه خط لوله گاز منطقه قفقاز جنوبی و ترکیه یعنی قفقاز جنوبی (باکو - تفلیس - ارزروم)، ترانس آناتولی (تاناب) و لوله ترانس آذربایک (تاپ) متصل شود که در مجموع از آن به «دالان<sup>۱</sup> جنوبی انتقال انرژی اروپا» یاد می‌شود.

<sup>۱</sup>. Corridor

### یافته‌های تحقیق

به طور کلی، کشور ترکیه در آسیای مرکزی دو طرح اقتصادی را دنبال می‌کند: «طرح اقتصادی شورای ترکی» و طرح اقتصادی-انرژی «شورای ترک - راه ابریشم جدید»؛ بنابراین، ابتدا به تحلیل مضمون تهدیدها و فرصت‌های هر یک از این دو طرح اقتصادی پرداخته می‌شود، سپس در انتهای جدول شماره یک، به وجوه اشتراک و افتراق فرصت‌ها و تهدیدهای طرح‌های اقتصادی ترکیه در آسیای مرکزی برای ایران مبادرت می‌شود:

### الف. طرح اقتصادی شورای ترکی

جدول ۱. تهدیدها و فرصت‌های طرح اقتصادی شورای ترکی در آسیای مرکزی برای ایران

گزاره‌های خبری	کدگذاری باز	کدگذاری سازمان یافته	کدگذاری گزینشی
	کشف مقولات پایه‌ای	کشف مقولات سازمان یافته	کشف مقولات فراگیر
ترکیه و ایران به عنوان دو کشوری که سنت‌ها و ارزش‌های دینی، فرهنگی و تاریخی خود را در طول تاریخ حفظ کرده و قرن‌ها در کنار یکدیگر زیسته‌اند، به نظر می‌رسد بر مبنای این زیست فرهنگی و تاریخی مشترک و همچنین موقعیت جغرافیایی درهم‌تنیده، پس از این نیز به هم‌زیستی و حسن هم‌جواری خود ادامه خواهند داد.	هم‌زیستی و حسن هم‌جواری ایران و ترکیه در سایه داشتن اشتراکات دینی، فرهنگی و تاریخی		
ایران و ترکیه، پیوندهای مختلفی با آسیای مرکزی دارند؛ به همین دلیل هیچ‌کدام، بازیگرانی دور از منطقه آسیای مرکزی محسوب نمی‌شوند.	داشتن پیوندهای مختلف زبانی، فرهنگی و تاریخی ایران و ترکیه با آسیای مرکزی	داشتن ریشه‌های تاریخی و فرهنگی مشترک با هم و با آسیای مرکزی	داشتن هم‌گرایی‌های فرهنگی-تاریخی و راهبردهای امنیتی مشترک در آسیای مرکزی (فرصت)
منافع حاصل از هم‌گرایی حکم می‌کند که این دو همسایه نباید	داشتن هم‌گرایی و دوری‌جستن از اختلافات		

<p>در دام اختلاف‌افکنی و سوءظن به یکدیگر گرفتار شوند و ضروری است که با کنارنهادن ایده‌های قومی و مذهبی، به سمت اتحاد و همکاری در منطقه آسیای - مرکزی حرکت کنند.</p>	<p>قومی و مذهبی از سوی ایران و ترکیه</p>		
<p>این سنت مشترک و به تبع منافع واقعی هم‌گرا می‌تواند فرصتی برای کاهش تضادهای ایدئولوژیک میان دو کشور ایران و ترکیه به حساب آید؛ لذا در پرتو این موقعیت، ایران و ترکیه می‌توانند با یکدیگر در منطقه وارد همکاری شوند و بازی برد- برد را رقم بزنند.</p>	<p>بازی برد- برد ایران و ترکیه در منطقه آسیای مرکزی به واسطه داشتن اتحاد و هم‌گرایی</p>		
<p>در گذشته ایران و ترکیه، همواره نگران خطر اتحاد شوروی قدرتمند بودند؛ ولی با فروپاشی آن، این دو کشور فرصت یافتند با تعریف منافی جدید، در سیاست خارجی خود جایگاهی مهم به این منطقه اختصاص دهند.</p>	<p>باز تعریف منافع در آسیای مرکزی پس از فروپاشی شوروی از سوی ایران و ترکیه</p>	<p>داشتن روابط و راهبردهای امنیتی مشترک در آسیای مرکزی</p>	
<p>ترکیه که به طور عمده با همسایگان خود مسائل مرزی یا تاریخی دارد و لذا تقویت پیوند با آسیای مرکزی می‌توانست دارای بازدهی امنیتی در خنثی‌سازی این مشکل برای آن کشور باشد.</p>	<p>خنثی‌سازی مسائل و مشکلات مرزی و تاریخی ترکیه به واسطه تقویت پیوند با آسیای مرکزی</p>		
<p>از نظر امنیتی، روابط متقابل ایران و ترکیه در آسیای مرکزی در مجموع به جای تقابل و روبرویی بیشتر بر نوعی توافق و هماهنگی استوار بوده است.</p>	<p>استوار بودن روابط متقابل ایران و ترکیه در آسیای مرکزی بر توافق و هماهنگی</p>		

<p>از آنجایی که دو کشور ایران و ترکیه با حوزه جنوبی اتحاد شوروی هم‌جوار هستند، هزینه‌های ناشی از وقوع جنگ و بحران‌های قومی و منطقه‌ای می‌توانند به صورت مستقیم ایران و ترکیه را تحت تأثیر قرار دهند؛ از این رو به نظر می‌رسد که دو طرف در مهار بی‌ثباتی‌ها و اختلاف‌های احتمالی در آسیای مرکزی و قفقاز علائق مشترک و منافع موازی دارند.</p>	<p>علائق و منافع مشترک ایران و ترکیه در کنترل بی‌ثباتی‌ها و اختلاف‌های احتمالی در آسیای مرکزی و قفقاز</p>		
<p>الگوی اسلام‌گرایی ترکیه در داخل با ملی‌گرایی‌های کمالیست‌ها روبه‌رو است و همچنین نتوانسته است مشکل «کردها» را در روندی دمکراتیک حل و فصل کند.</p>	<p>مشکل الگوی اسلام‌گرایی ترکیه با ملی‌گرایی کمالیست‌ها و کردها</p>		
<p>اجزای دمکراتیک الگوی ترکیه، به رغم طبیعت تقریباً محدودکننده‌اش، برای ساختارهای سیاسی استبدادی محکم و تحت حفاظت جمهوری‌های سابق که منافع اندکی در پرورش مشارکت و تکثر سیاسی دارند، اصولاً جذابیت چندانی ندارد.</p>	<p>جذابیت نداشتن الگوی دمکراتیک ترکیه در میان کشورهای آسیای مرکزی</p>	<p>چالش‌های الگوی اسلام‌گرایی ترکیه</p>	
<p>تمام دولت‌های آسیای مرکزی از الگوهای غیر دمکراتیک پیروی کرده‌اند که بیشتر از آنکه مبتنی بر الگوی ترکیه باشد، از میراث و آموزه‌های الگوی اتحاد شوروی متأثر است؛ لذا این وضعیت مانع از نفوذ</p>	<p>نپذیرفتن الگوی اسلامی ترکیه از سوی کشورهای آسیای مرکزی</p>		

<p>ترکیه در منطقه می‌شود و یکی از رقبای منطقه‌ای ایران در منطقه را با چالش اساسی روبه‌رو خواهد کرد.</p>			
<p>ترس از تک‌قطبی شدن منطقه و سیطره یک قدرت هژمون همواره مهم‌ترین عامل هشداردهنده برای جمهوری‌های تازه تأسیس آسیای مرکزی بوده است. این ترس نیز به نوبه خود در خصوص ترکیه همانند ارتباط با روسیه مضاعف بوده است.</p>	<p>ترس کشورهای آسیای مرکزی از تک‌قطبی شدن و سیطره یک قدرت هژمون در منطقه</p>		<p>فقدان مقبولیت کامل ترکیه در منطقه آسیای مرکزی و روسیه (فرصت)</p>
<p>کشورها، از بابت هر نوع تسلط فرهنگی - دینی ترکیه به عنوان برادر بزرگ‌تر بر امور خود به شدت نگران هستند و به همین دلیل رابطه‌ای محدودتر و در سطحی برابرتر را ترجیح داده‌اند.</p>	<p>نگرانی کشورهای آسیای مرکزی از هر نوع تسلط فرهنگی - دینی ترکیه در منطقه</p>		
<p>جمهوری‌های جدید به تلاش‌های فرهنگی - دینی ترکیه برای نفوذ در سیاست‌های داخلی خود، مشکوک بوده‌اند. این مسئله به ویژه، البته نه منحصرأ، در جمهوری آذربایجان بیشتر از دیگر کشورهای همسایه مشاهده می‌شود.</p>	<p>مشکوک بودن جمهوری‌های جدید به تلاش‌های فرهنگی - دینی ترکیه در منطقه</p>	<p>ترس و نگرانی کشورهای منطقه از تسلط ترکیه</p>	
<p>احساسات قوی ملی‌گرایی ترکی متداول در ترکیه که در مورد نفوذ آن‌ها اغراق می‌شد نیز به این تردید می‌افزود. این مسئله زمانی حادث می‌شود که توجه داشته باشیم کشورهای تازه</p>	<p>تمایل نداشتن کشورهای آسیای مرکزی به جایگزینی هژمونی فرهنگی ترکیه با سلطه فرهنگی روسیه</p>		



طرح‌های اقتصادی ترکیه در آسیای مرکزی و پیامدهای آن بر ایران □ ۱۰۷

<p>استقلال‌یافته آسیای مرکزی تمایلی ندارند سلطه فرهنگی روسیه را با هژمونی فرهنگی ترکیه جایگزین کنند.</p>			
<p>جمهوری‌های جدید آسیای مرکزی تلاش کردند سیاست خارجی متوازی را به اجرا درآوردند تا استقلال خود را تضمین کنند و درعین حال صادرات نفت و گاز خود را از طریق ترکیه افزایش دهند.</p>	<p>درپیش‌گرفتن سیاست خارجی متوازن از سوی کشورهای آسیای مرکزی</p>		
<p>بایستی توجه داشت که ترکیه رقیب منطقه‌ای بالقوه ایران به حساب می‌آید که می‌تواند منافع ملی ایران را در ابعاد مختلف با چالش روبه‌رو سازد؛ لذا ایران می‌بایست از چالش‌های موجود در روابط ترکیه با کشورهای منطقه نهایت بهره‌برداری را بکند.</p>	<p>استفاده ایران از چالش‌های موجود بر سر راه ترکیه در آسیای - مرکزی</p>		
<p>بعد از فروپاشی شوروی و استقلال کشورهای آسیای مرکزی از آن، تا سال‌های بعد نفوذ روسیه همچنان در این منطقه کاملاً احساس می‌شد و رهبران محلی فشارها و خطرات سرچشمه گرفته از مسکو را کاملاً مدنظر داشتند. به طور مستدل، نفوذ روسیه/شوروی هنوز روی فرهنگ و سبک سیاسی این کشورها زنده و قدرتمند است.</p>	<p>برجسته بودن نفوذ مسکو در کشورهای آسیای مرکزی</p>	<p>مخالفت روسیه با ترکیه در منطقه</p>	
<p>رهبران تمام این کشورهای استقلال‌یافته شوری سابق، به</p>	<p>اشتراکات زبانی کشورهای آسیای مرکزی با روس‌ها</p>		

<p>جز رئیس‌جمهور جمهوری آذربایجان، در نشست سران ترک در آوریل ۲۰۰۱ در استانبول، بیشتر به زبان روسی صحبت کردند تا زبان ترکی.</p>			
<p>گروه‌های قومی بزرگی از روس‌ها در سراسر منطقه آسیای مرکزی سکونت دارند.</p>	<p>ساکن بودن گروه‌های قومی روس در آسیای مرکزی</p>		
<p>فشارهای مسکو را در این میان نباید نادیده گرفت. در حقیقت بعضی از این درگیری‌ها حتی توسط مسکو تقویت و تشویق می‌شوند.</p>	<p>علاقه‌مندی روسیه به حضور در آسیای مرکزی به اشکال مختلف</p>		
<p>نفوذ عمیق روسیه در این منطقه مانعی جدی بر سر راه عملیاتی کردن کم‌هزینه برنامه‌های ترکیه در این منطقه است.</p>	<p>حاکم بودن نفوذ مادی و معنوی روسیه در کشورهای آسیای مرکزی</p>		
<p>استفاده از نیروهای روسیه برای حفظ ثبات داخلی و نیز مبارزه با درگیری‌های قومی داخلی، برای کشورهای منطقه آسیای مرکزی از همان ابتدا اهرمی در دسترس و نسبتاً آسان بوده است.</p>	<p>تمایل و استفاده کشورهای آسیای مرکزی از روسیه برای مقابله با درگیری‌های قومی داخلی</p>		
<p>ایالات متحده همواره درصدد است نفوذ جمهوری اسلامی ایران را در این منطقه کم کند.</p>	<p>تمایل و تلاش آمریکا به کم کردن نفوذ ایران در منطقه آسیای مرکزی</p>		
<p>آمریکا در کنار کشورهای غربی بیشتر تمایل دارند نفوذ ترکیه را در منطقه افزایش دهند؛ زیرا آن‌ها ترکیه را الگویی می‌دانند که می‌تواند از نفوذ غرب در این منطقه حمایت کند</p>	<p>تمایل آمریکا و کشورهای غربی به افزایش نفوذ ترکیه در منطقه آسیای مرکزی</p>	<p>حضور آمریکا در منطقه</p>	
<p>صرف راهبرد کشورهای آسیای مرکزی تعاملات را تعیین نمی‌کند،</p>	<p>مهم بودن میزان نفوذ قدرت‌های منطقه‌ای و</p>		

<p>بلکه جایگاه و میزان نفوذ قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در تعیین مناسبات و تبادلات منطقه نقش بسیار مهمی دارد.</p>	<p>فرامنطقه‌ای در تعیین مناسبات منطقه‌ای</p>		<p>تمایل و همکاری ترکیه با سیاست‌های آمریکا و غرب در منطقه آسیای مرکزی (تهدید)</p>
<p>آمریکا و کشورهای غربی به دلیل وجود مسائل اضطراری با جمهوری اسلامی و نقش مداخله‌جویانه‌ای که به زعم خود برای ایران در کل مناطق پیرامونی قائل هستند، اجرای سیاست‌های ایران را در منطقه آسیای مرکزی با مخاطرات جدی مواجه کرده‌اند.</p>	<p>با چالش روبه‌رو کردن اجرای سیاست‌های ایران در منطقه آسیای مرکزی از سوی آمریکا و کشورهای غربی</p>		
<p>دولت عدالت و توسعه در راستای سیاست‌های غرب‌گرایانه خود و همراهی با ایالات متحده آمریکا در قفقاز، به عنوان بازوی منطقه‌ای غرب و آمریکا شناخته می‌شود.</p>	<p>حمایت دولت عدالت و توسعه ترکیه از سیاست‌های آمریکا و کشورهای غربی در منطقه</p>		
<p>پس از حوادث ۱۱ سپتامبر و حمله آمریکا به عراق و افغانستان برای مقابله با بنیادگرایی اسلامی و تروریسم، حضور آمریکا و ناتو در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز به واسطه همکاری ترکیه پررنگ شد.</p>	<p>حمایت ترکیه از حضور آمریکا و ناتو و همکاری با آن‌ها برای مقابله با تروریسم و افراطی‌گری</p>	<p>همکاری با غرب به ویژه آمریکا و ناتو در جهت گسترش به شرق و مهار ایران و روسیه</p>	
<p>یکی دیگر از راهکارهای سیاسی آمریکا برای مقابله با بنیادگرایی و نفوذ ایران و روسیه، حمایت از الگوی پیشرفت ترکیه برای کشورهای منطقه در تقابل با الگوی ایران و روسیه بوده است.</p>	<p>حمایت آمریکا از الگوی پیشرفت ترکیه برای کشورهای منطقه در تقابل با الگوی ایران و روسیه</p>		

<p>نیاز به گفتن نیست که یکی از چالش‌های پیش‌روی ایران در رابطه با حضور ترکیه در آسیای مرکزی تضاد ایدئولوژیک و به طور مشخص تضاد اسلام‌گرایی و عرفی‌گرایی است.</p>	<p>داشتن تضاد و تقابل ایدئولوژی اسلام‌گرایی ایران و عرفی‌گرایی ترکیه</p>	<p>تضاد ایدئولوژیک ایران و ترکیه</p>	
<p>ایران اسلامی در مقام نمایندگی الگوی اسلامی تشیع، مظهر ارزش‌های مذهبی و بانی تفکرهای غرب‌ستیز در مقابل ترکیه عرف‌گرا قرار می‌گیرد که نماینده تفکر غیرمذهبی، مردم‌سالار و اقتصاد آزاد قلمداد می‌شود.</p>	<p>تقابل الگوهای اسلام‌گرایی ایران و ترکیه</p>		
<p>زمینه‌های مشترک فرهنگی و زبانی میان اقوام ترک‌زبان و آذری در جهت هم‌گرایی و همکاری بیشتر میان ترکیه با منطقه آسیای مرکزی و قفقاز دارای نقش مهمی بوده است.</p>	<p>هم‌گرایی فرهنگی و زبانی ترکیه با کشورهای آسیای مرکزی</p>	<p>ناهمخوانی الگوی فرهنگی و توسعه ایران و ترکیه در آسیای مرکزی (تهدید)</p> <p>گسترش پان‌ترکیسم توسط ترکیه در آسیای مرکزی</p>	
<p>حزب عدالت و توسعه، ترکیه را در مقام الگو، برادر بزرگ‌تر و رهبری خیرخواه برای ترک‌زبانان معرفی کرده است. این حزب برنامه‌های مهمی را برای هم‌گرایی و توسعه روابط میان کشورهای ترک‌زبان و آذری‌زبان با ترکیه شروع کرده است.</p>	<p>تلاش ترکیه در هم‌گرایی کشورهای ترک‌زبان و آذری‌زبان</p>		
<p>شعار حزب عدالت و توسعه اتحاد دویست میلیون ترک‌زبان از بالکان تا آسیای مرکزی و قفقاز است.</p>	<p>تلاش در نزدیکی کشورهای ترک‌زبان از سوی ترکیه</p>		
<p>یکی از اهداف بلندمدت و ایده‌آل حزب عدالت و توسعه، احیای اندیشه نئوعثمانیسم و رسیدن ترکیه به دوران شکوه امپراتوری عثمانی است.</p>	<p>تلاش ترکیه در احیای اندیشه نئوعثمانیسم</p>		

<p>ایران که همواره مخالف ایده‌های پان‌ترکیسم، توران‌گرایی و اندیشه‌های نئوعثمانی بوده، با این رویکرد ترکیه در منطقه به شدت مخالف است.</p>	<p>مخالفت ایران با گسترش ایده‌های پان‌ترکیسم، توران‌گرایی و اندیشه‌های نئوعثمانی</p>		
<p>ایران به دلیل داشتن جمعیت زیادی ترک‌زبان که در بسیاری از شهرهای ایران به ویژه استان‌های هم‌مرز با جمهوری آذربایجان و ترکیه ساکن هستند، همواره بیم آن را داشته است که ایده‌های پان‌ترکیسم به داخل مرزهای ایران نفوذ کند و مشکلات و مسائل امنیتی عدیده‌ای برای این کشور به وجود آورد.</p>	<p>نگرانی امنیتی ایران از گسترش اندیشه‌های پان‌ترکیسم به داخل مرزها</p>		

همان‌گونه که جدول شماره یک نیز نشان می‌دهد: فرصت‌های طرح اقتصادی شورای ترکی در آسیای مرکزی برای ایران، داشتن هم‌گرایی‌های فرهنگی - تاریخی و راهبردهای امنیتی مشترک در آسیای مرکزی از یک سو و فقدان مقبولیت کامل ترکیه در میان کشورهای آسیای مرکزی و روسیه از سوی دیگر است. بدین ترتیب، ریشه‌های تاریخی و فرهنگی مشترک ایران با ترکیه با هم و با آسیای مرکزی و نیز داشتن روابط و راهبردهای امنیتی مشترک در آسیای مرکزی این امر را می‌طلبد که آن‌ها مواضع هم‌گرایانه استراتژیک را در منطقه آسیای مرکزی دنبال کنند. همچنین ایران می‌تواند به نفع خود از نگرانی کشورهای منطقه از تسلط فرهنگی ترکیه، چالش‌های الگوی اسلام‌گرایی ترکیه در آسیای - مرکزی و نیز مخالفت روسیه با ترکیه در منطقه در راستای پیشبرد اهداف منطقه‌ای استفاده نماید. تهدیدهای طرح اقتصادی شورای ترکی در آسیای مرکزی برای ایران به این قرار هستند: تمایل و همکاری ترکیه با سیاست‌های آمریکا و غرب در منطقه آسیای مرکزی به واسطه حمایت از حضور و سیاست‌های آمریکا، ناتو و غرب در منطقه آسیای مرکزی، ناهمخوانی الگوی فرهنگی و توسعه ایران و ترکیه در آسیای مرکزی به واسطه داشتن تضاد ایدئولوژیک و مخالفت ایران با گسترش پان‌ترکیسم در آسیای مرکزی.

## ب. طرح اقتصادی- انرژی «شورای ترک - راه ابریشم جدید»

جدول ۲. تهدیدها و فرصت‌های طرح اقتصادی- انرژی «شورای ترک - راه ابریشم جدید» در آسیای مرکزی برای ایران

گزاره‌های خبری	کدگذاری باز	کدگذاری سازمان یافته	کدگذاری گزینشی
	کشف مقولات پایه‌ای	کشف مقولات سازمان یافته	کشف مقولات فراگیر
با توجه به تهدیدهای طرح ترانزیت انرژی روسیه و چین در منطقه، طرح ترکیه می‌تواند نوعی تعادل و توازن در منطقه ایجاد کند و فرصت مناسب را برای ایران فراهم آورد تا از تنش و تضاد میان این قدرت‌ها و طرح‌های آن‌ها نهایت استفاده را ببرد.	فراهم آمدن فرصت برای ایران در راستای استفاده از ایجاد تعادل و توازن قوا در منطقه	ایجاد تعادل و توازن قوا در منطقه	
طرح «شورای ترک- راه ابریشم جدید» به نوعی اعلامی و غیررقابتی در رابطه با پروژه‌های معروف چینی «کمربند- راه» و همچنین رقیبی برای برنامه‌های ادغام روسیه در قالب «اتحادیه اقتصادی اوراسیا» به نظر می‌رسد.	طرح ترکیه به عنوان رقیبی در برابر طرح‌های چین و روسیه		ایجاد موازنه در منطقه با نقش‌آفرینی امنیتی ایران (فرصت)
حوزه امنیت در منطقه تنها حوزه‌ای تلقی می‌شود که در آن، مناسبات متقابل ایران و ترکیه به جای روبرویی بیشتر بر نوعی توافق و هماهنگی نسبی استوار است.	توافق و هماهنگی نسبی ایران و ترکیه در حوزه امنیت	افزایش نقش امنیتی ایران در تحولات منطقه	
طرح ترانزیت انرژی ترکیه فارغ از تمام تهدیدهای آن برای ایران از حیث امنیتی می‌تواند سبب افزایش نقش ایران در تحولات منطقه با تأکید بر طرح‌های ترانزیتی شود.	نقش‌آفرینی امنیتی ایران در تحولات منطقه	در تعامل با ترکیه	

<p>هدف اصلی این طرح، به‌کارگیری ترکیه به عنوان پلی میان کشورهای آسیای مرکزی و اروپا به منظور هم‌گرایی اقتصادی کشورهای عضو شورا است.</p>	<p>به‌وجود آمدن هم‌گرایی اقتصادی کشورهای عضو شورا به واسطه ترکیه</p>	<p>تبدیل ترکیه به قطب ترانزیتی و تضعیف موقعیت ترانزیتی ایران</p>	<p>افزایش قدرت اقتصادی ترکیه و تضعیف موقعیت ژئوپلیتیک و اقتصادی- ترانزیتی ایران (تهدید)</p>
<p>هدف این طرح اقتصادی- انرژی، اتصال بازارهای اروپا و آسیا از طریق راه‌های ترانزیت ترکیه است.</p>	<p>اتصال بازارهای اروپا و آسیا از طریق راه‌های ترانزیت ترکیه</p>		
<p>ظهور حوزه خزر به عنوان منبع درخور توجه انرژی، بعد جدید و مهمی به سیاست ترکیه در قبال آسیای مرکزی و قفقاز داده است. این وضعیت سبب شکل‌گیری رقیب ترانزیتی جدیدی برای ایران شده است و با توجه به مخالف آمریکا با ایران و تحریم‌ها، این طرح سبب خارج‌شدن ایران از موقعیت ترانزیتی خواهد شد.</p>	<p>خارج شدن ایران از موقعیت ترانزیتی به واسطه اوضاع تحریمی حاکم بر کشور</p>	<p>تضعیف موقعیت ژئوپلیتیک و اقتصادی ایران</p>	
<p>ترکیه در نظر دارد یک جهان ترک با بازار مشترک ایجاد کند که دارای سیستم انرژی منطقه‌ای واحد و نظام حمل‌ونقل است که بتواند به یک اتحادیه سیاسی و اقتصادی مانند کمیسیون اروپا تبدیل شود.</p>	<p>ایجاد اتحادیه سیاسی و اقتصادی ترک‌زبان از سوی ترکیه</p>		
<p>این مسئله قطعاً فرصت‌های اقتصادی فراوانی برای ترکیه در پی دارد و عملاً ایران را از مدار ژئوپلیتیک خارج خواهد کرد و سبب کاهش درآمدهای اقتصادی ایران از این مسیر خواهد شد.</p>	<p>تضعیف شدن موقعیت ژئوپلیتیک و نیز درآمدی ایران</p>		

همان‌گونه که جدول دو نشان می‌دهد: فرصت‌های طرح اقتصادی- انرژی «شورای ترک- راه ابریشم جدید» در آسیای مرکزی برای ایران، ایجاد موازنه در منطقه با نقش آفرینی امنیتی ایران است؛ چرا که از یک طرف ایجاد تعادل و توازن قوا در منطقه را به دنبال دارد و

از سوی دیگر، افزایش نقش امنیتی ایران در تحولات منطقه در تعامل با ترکیه را رقم خواهد زد. علاوه بر آن، تهدیدهای طرح اقتصادی-انرژی «شورای ترک-راه ابریشم جدید» در آسیای مرکزی برای ایران، افزایش قدرت اقتصادی ترکیه و تضعیف موقعیت ژئوپلیتیک و نیز اقتصادی-ترانزیتی ایران است؛ چرا که اجرای این طرح از یک سو ترکیه را به قطب ترانزیتی تبدیل می‌کند و از سوی دیگر موجب تضعیف موقعیت ژئوپلیتیک و اقتصادی ایران می‌گردد.

### ج. مقایسه وجوه اشتراک و افتراق فرصت‌ها و تهدیدهای طرح‌های اقتصادی ترکیه در آسیای مرکزی برای ایران

پس از انجام فرایند کدگذاری موضوعی درباره فرصت‌ها و تهدیدهای طرح‌های اقتصادی ترکیه در آسیای مرکزی برای ایران و کشف و شناسایی مضامین پایه‌ای، سازمان‌یافته و فراگیر، در این قسمت بر اساس مضامین فراگیر حاصل از کدگذاری گزینشی، فرصت‌ها و تهدیدهای این طرح‌ها مقایسه می‌شوند و در نهایت وجه اشتراک و افتراق آنان نشان داده می‌شود.

### جدول ۳. مقایسه وجوه اشتراک و افتراق تهدیدها و فرصت‌های طرح‌های اقتصادی ترکیه در آسیای مرکزی برای ایران

ملاک‌های طرح‌های اقتصادی ترکیه	فرصت‌ها	تهدیدها	وجه اشتراک	وجه افتراق
طرح اقتصادی شورای ترکی	*داشتن هم‌گرایی‌های فرهنگی-تاریخی و راهبردهای امنیتی مشترک در آسیای مرکزی *فقدان مقبولیت کامل ترکیه در منطقه آسیای مرکزی و روسیه	*تمایل و همکاری ترکیه با سیاست‌های آمریکا و غرب در منطقه آسیای مرکزی *ناهمخوانی الگوی فرهنگی و توسعه ایران و ترکیه در آسیای مرکزی	ایجاد موازنه و هم‌گرایی‌های فرهنگی-تاریخی و امنیتی مشترک	ناهمخوانی سیاست‌های توسعه‌ای ایران و ترکیه در آسیای مرکزی و تضعیف شدن موقعیت سیاسی و اقتصادی ایران به واسطه دنبال نمودن سیاست‌های غرب‌گرایانه در منطقه از سوی ترکیه
طرح اقتصادی-انرژی «شورای ترک-راه ابریشم جدید»	ایجاد موازنه در منطقه با نقش‌آفرینی امنیتی ایران	افزایش قدرت اقتصادی ترکیه و تضعیف موقعیت ژئوپلیتیک و اقتصادی-ترانزیتی ایران		



همان‌گونه که جدول سه و نیز مضامین فراگیر حاصل از فرایند کدگذاری گزینشی نیز نشان می‌دهد، وجه اشتراک طرح‌های اقتصادی ترکیه در آسیای مرکزی برای ایران از حیث فرصت، ایجاد موازنه و هم‌گرایی‌های فرهنگی- تاریخی و امنیتی مشترک است. وجه افتراق طرح‌های اقتصادی ترکیه در آسیای مرکزی برای ایران از حیث تهدید، ناهمخوانی سیاست‌های توسعه‌ای ایران و ترکیه در آسیای مرکزی و تضعیف شدن موقعیت ایران به واسطهٔ دنبال نمودن سیاست‌های غرب‌گرایانه از سوی ترکیه در منطقه است.

مدل مفهومی: فرصت‌ها و تهدیدهای طرح‌های اقتصادی ترکیه در آسیای مرکزی برای ایران



### نتیجه

نقش و تأثیر اقتصاد در شکل‌گیری نظریه‌های روابط بین‌الملل انکارناپذیر است. از جمله نظریه‌هایی که بر این موضوع تأکید دارد و اساس روابط کشورها را بر مبنای این موضوع پیگیری می‌کند نوواقع‌گرایی است. بر اساس این نظریه، عامل اقتصادی نقش بسیار مهمی در روابط بین‌الملل و روابط قدرت‌ها با یکدیگر ایفا می‌کند؛ چرا که دولت‌ها یا قدرت‌های بزرگ درصدد دستیابی به منابع طبیعی از جمله مواد خام، نفت و گاز در قالب منابع انرژی در راستای حفظ هژمونی خود هستند؛ لذا این مسئله سبب شده است که این قدرت‌ها مبادرت به اتخاذ طرح‌های اقتصادی در مناطق مختلف جهان کنند و تأثیرات زیادی بر حوزه‌هایی

چون موقعیت ژئوپلیتیک، اقتصادی، سیاسی و امنیتی بگذارند. درست در این راستا، نظریه نهادگرایی نیز اعتقاد دارد که بایستی از منافع فردی گذر کرد و در قالب اتحادیه‌ها و سازمان‌های همکاری متشکل از کشورهای مختلف پیگیر منافع اقتصادی جمعی خود بود. بر اساس این رویکرد می‌توان طرح‌های اقتصادی را در قالب طرح اقتصادی شورای ترکی و طرح اقتصادی-انرژی «شورای ترک - راه ابریشم جدید» بررسی و مطالعه کرد؛ یعنی قدرت‌هایی منطقه‌ای همچون ترکیه در صدد طراحی و اتخاذ سیاست‌های اقتصادی‌ای هستند که بتوانند منافع خود و شرکای خود را تأمین کنند. در خصوص بحث ژئواکونومیک می‌توان بیان داشت که با گذر از قرن بیستم و ورود به قرن بیست و یکم شاهد جایگزینی مؤلفه اقتصادی با مؤلفه نظامی هستیم و کشورها از این راه، جایگاهشان را در جهان مشخص خواهند کرد. این مسئله سبب شده است که بیشتر شاهد امنیت اقتصادی و انرژی باشیم تا امنیت نظامی. کشورهایی که بتوانند به درجه‌ای از توسعه اقتصادی برسند و بر منابع طبیعی و انرژی تسلط داشته باشند می‌توانند در روابط بین‌المللی تأثیرگذار باشند. اما این امر همچنین می‌تواند تهدیدها و فرصت‌هایی را برای کشورهای درگیر پروژه و نیز کشورهای منطقه به دنبال داشته باشد.

از این منظر، پژوهش حاضر با هدف کلی واکاوی طرح‌های اقتصادی ترکیه در آسیای مرکزی از منظر فرصت‌ها و تهدیدها برای ایران آغاز شد و با استفاده از تحلیل مضمون و از نوع ماتریس مضمون به واسطه انجام مشاهده غیرمستقیم (واکاوی متون) و فرایند کدگذاری موضوعی، مضامین فرصت‌ها و تهدیدهای طرح‌های اقتصادی ترکیه در آسیای مرکزی را شناسایی و تحلیل کرد. نتایج پژوهش نشان دادند که فرصت‌های طرح اقتصادی شورای ترکی در آسیای مرکزی برای ایران داشتن هم‌گرایی‌های فرهنگی- تاریخی و راهبردهای امنیتی مشترک ایران و ترکیه در آسیای مرکزی است؛ لذا دو کشور می‌توانند مواضع هم‌گرایانه استراتژیک را در منطقه آسیای مرکزی دنبال کنند. همچنین فرصت دیگر طرح اقتصادی شورای ترکی در آسیای مرکزی برای ایران، فقدان مقبولیت کامل ترکیه در منطقه آسیای مرکزی و روسیه بوده است؛ لذا ایران می‌تواند به نفع خود از نگرانی کشورهای منطقه از تسلط فرهنگی ترکیه، چالش‌های الگوی اسلام‌گرایی ترکیه در آسیای مرکزی و نیز مخالفت روسیه با ترکیه در منطقه در راستای پیشبرد اهداف منطقه‌ای استفاده نماید.

علاوه بر آن، تهدیدهای طرح اقتصادی شورای ترکی در آسیای مرکزی برای ایران تمایل و همکاری ترکیه با سیاست‌های آمریکا و غرب در منطقه آسیای مرکزی به واسطه حمایت از حضور و سیاست‌های آمریکا، ناتو و غرب در منطقه آسیای مرکزی است. تهدید دیگر طرح

اقتصادی شورای ترکی در آسیای مرکزی برای ایران، ناهمخوانی الگوی فرهنگی و توسعه ایران و ترکیه در آسیای مرکزی به واسطه داشتن تضاد ایدئولوژیک و مخالفت ایران با گسترش پان‌ترکیسم در آسیای مرکزی است. از سوی دیگر، فرصت‌های طرح اقتصادی-انرژی «شورای ترک-راه ابریشم جدید» در آسیای مرکزی برای ایران، ایجاد موازنه در منطقه با نقش‌آفرینی امنیتی ایران است؛ چرا که از یک طرف ایجاد تعادل و توازن قوا در منطقه را به دنبال دارد و از سوی دیگر، افزایش نقش امنیتی ایران در تحولات منطقه در تعامل با ترکیه را رقم خواهد زد. همچنین تهدیدهای طرح اقتصادی-انرژی «شورای ترک-راه ابریشم جدید» در آسیای مرکزی برای ایران، افزایش قدرت اقتصادی ترکیه و تضعیف موقعیت ژئوپلیتیک و اقتصادی-ترانزیتی ایران است؛ چرا که اجرای این طرح از یک سو ترکیه را به قطب ترانزیتی تبدیل می‌کند و از سوی دیگر موجب تضعیف موقعیت ژئوپلیتیک و اقتصادی ایران می‌گردد. در نهایت، وجه اشتراک طرح‌های اقتصادی ترکیه در آسیای مرکزی برای ایران از حیث فرصت، ایجاد موازنه و هم‌گرایی‌های فرهنگی-تاریخی و امنیتی است و وجه افتراق آن‌ها از حیث تهدید، ناهمخوانی سیاست‌های توسعه‌ای ایران و ترکیه در آسیای مرکزی و تضعیف شدن موقعیت سیاسی و اقتصادی ایران به واسطه دنبال نمودن سیاست‌های غرب‌گرایانه از سوی ترکیه در منطقه بوده است.

نتایج کیفی پژوهش حاضر در موضوع تهدیدهای طرح‌های اقتصادی ترکیه در آسیای مرکزی با نتایج مطالعات زیر قرابت دارد: زرقانی و همکاران (۱۳۹۸) از حیث کم‌رنگ شدن نفوذ ایران در منطقه آسیای مرکزی نسبت به ترکیه، دهقانی فیروزآبادی و همکاران (۱۳۹۷) از حیث اینکه مسئله انرژی به عنوان مهم‌ترین عامل تأثیرگذار بر شکل‌دهی سیاست خارجی ترکیه در منطقه اوراسیا محسوب می‌شود، رفیع و مظلومی (۱۳۹۱) از حیث اینکه حوزه‌های ایدئولوژیک، نقش‌های منطقه‌ای و رقابت اقتصادی از موانع هم‌گرایی ایران و ترکیه در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز قلمداد می‌گردند؛ چرا که در این پژوهش نیز نشان داده شده است که افزایش قدرت اقتصادی ترکیه و تضعیف موقعیت ژئوپلیتیک و اقتصادی-ترانزیتی ایران و نیز ناهمخوانی الگوی فرهنگی و توسعه ایران و ترکیه در آسیای مرکزی از جمله تهدیدهای طرح‌های اقتصادی ترکیه برای ایران در منطقه آسیای مرکزی هستند. همچنین، نتایج کیفی پژوهش حاضر در موضوع فرصت‌های طرح‌های اقتصادی ترکیه در آسیای - مرکزی با نتایج مطالعه زیباکلام و گودرزی (۱۳۹۲) از حیث اینکه شناسایی نقاط مشترک سیاست منطقه‌ای دو کشور ایران و ترکیه در آسیای مرکزی می‌تواند به هم‌گرایی‌های

اقتصادی، سیاسی و... بینجامد، قرابت دارد؛ چرا که در این پژوهش نیز نشان داده شده است که ایجاد موازنه در منطقه با نقش آفرینی امنیتی ایران و داشتن هم‌گرایی‌های فرهنگی-تاریخی و راهبردهای امنیتی مشترک در آسیای مرکزی از جمله فرصت‌های طرح‌های اقتصادی ترکیه برای ایران در منطقه آسیای مرکزی قلمداد می‌گردد. علاوه بر آن، فقدان مقبولیت کامل ترکیه در میان کشورهای منطقه و روسیه در موضوع فرصت‌ها و نیز تمایل و همکاری ترکیه با سیاست‌های آمریکا و غرب در منطقه آسیای مرکزی در موضوع تهدیدها از جمله محورهایی بودند که در پژوهش حاضر واکاوی شدند که در سایر مطالعات به آن‌ها اشاره‌ای نشده است. در نهایت بر اساس سوابق نظری نوواقع‌گرایی، نهادگرایی و نظریه ژئواکونومی، ایران می‌تواند به منظور تبدیل تهدیدهای طرح‌های اقتصادی ترکیه در آسیای مرکزی به فرصت‌ها این اقدامات را انجام دهد: شناسایی موانع و چالش‌های هم‌گرایی‌های ایران و ترکیه در منطقه آسیای مرکزی و مرتفع نمودن آن‌ها، داشتن هم‌گرایی‌های فرهنگی-تاریخی و امنیتی مشترک در منطقه و نیز مشارکت در طرح‌های ترکیه در منطقه به ویژه ترانزیت و انرژی.

## منابع و مأخذ

### فارسی

- بزرگمهری، مجید و سید مهدی طباطبائی، ۱۳۹۶، «بررسی تطبیقی سیاست خارجی ایران و ترکیه در قفقاز جنوبی از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی تا ۲۰۱۵»، *فصلنامه سیاست خارجی*، س ۳۱، ش ۲، صص ۱۲۶-۱۲۷.
- استراوس، انسلم و جولیت کربین، ۱۳۹۷، *مبانی پژوهش کیفی (فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای)*، چ ۷، ترجمه: ابراهیم افشار، تهران: نشر نی، صص ۲۸۴-۲۸۳.
- دانش‌نیا، فرهاد، ۱۳۹۰، «کاربرد نظریه‌ی بازی‌ها و نهادگرایی نئولیبرال در تحلیل رفتار بازیگران اصلی اوپک گازی»، *پژوهشنامه علوم سیاسی*، س ۸، ش ۱، صص ۱۴۹-۱۴۸.
- فلیک، اووه، ۱۳۹۴، *درآمدی بر تحقیق کیفی*، چ ۸، ترجمه: هادی جلیلی، تهران: نشر نی، ص ۲۲۰.
- محکویی، حجت و مهناز گودرزی، ۱۳۹۸، «تأثیر اتحادیه‌ی اقتصادی اوراسیا بر موقعیت ژئواکونومیک جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی*، س ۱۲، ش ۲، صص ۵۲۲-۵۲۱.
- ساروخانی، باقر، ۱۳۹۳، *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی: اصول و مبانی*، ج ۱، چ ۱۸، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ص ۲۸۹.
- صادقی، سید شمس‌الدین، ۱۳۹۱، «راهبرد سیاست انرژی روسیه در اوراسیا، فرصت‌ها و موانع»، *فصلنامه روابط خارجی*، س ۴، ش ۱، صص ۲۲۲.

قلی‌زاده، علی ولی و یاشار ذکی، ۱۳۸۷، «بررسی و تحلیل جایگاه ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی ایران برای کشورهای CIS»، فصلنامه ژئوپلیتیک، س ۴، ش ۳، ص ۲۷.

## لاتین

- Braun, V. & Clarke, V., 2006, "Using Thematic Analysis In Psychology", *Qualitative Research in Psychology*, Vol. 3, No. 2, pp. 77-101.
- Bülent Aras & Hakan Fidan, 2015, "Turkey And Eurasia: Frontiers Of A New Geographic Imagination", *New Perspectives On Turkey*, No. 40 (2018):195-217, 202. Available at: ([https://www.cambridge.org/core/journals/new-perspectives-on-turkey/article/abs/turkey-and-eurasia-frontiers-of-a-new-geographic-imagination/Accessed on:12/1/2021](https://www.cambridge.org/core/journals/new-perspectives-on-turkey/article/abs/turkey-and-eurasia-frontiers-of-a-new-geographic-imagination/Accessed%20on%3A12%2F2021))
- , 2018, "Turkey And Eurasia: Frontiers Of A New Geographic Imagination", *New Perspectives on Turkey*, No. 40, pp.195-217, 202.
- Çaman, M. Efe & Akyurt, Ali, 2017, "Caucasus and Central Asia in Turkish Foreign Policy: The Time Has Come for a New Regional Policy. Alternatives", *Turkish Journal Of International Relations*, Vol. 10, No. 2-3, pp. 46-64 Available at: ([https://www.researchgate.net/publication/337404537\\_Caucasus\\_and\\_Central\\_Asia\\_in\\_Turkish\\_Foreign\\_Policy\\_The\\_Time\\_Has\\_Come\\_for\\_a\\_New\\_Regional\\_policy](https://www.researchgate.net/publication/337404537_Caucasus_and_Central_Asia_in_Turkish_Foreign_Policy_The_Time_Has_Come_for_a_New_Regional_policy) (Accessed on: 5/6/2020 ).
- Corbin, J. and Strauss, A. 2018, *Basic of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory*, Translated by: Ebrahim Afshar, Tehran: Nashreny, Seventh Edition.
- Cornell, S. & Starr, S. 2018, "Modernization And Regional Cooperation In Central Asia: A New Spring? Central Asia- Caucasus Institute Silk Road Studies Program". Council Turkic, (Cooperation Council of Turkic-Speaking States) Available at: (<https://www.silkroadstudies.org/resources/1811CA-Regional.pdf>), (Accessed on: 19/9/2020)
- Köstem, Seçkin, 2019, "Geopolitics, Identity And Beyond: Turkey's Renewed Interest In The Caucasus And Central Asia", In book: *Turkey's Pivot to Eurasia: Geopolitics and Foreign Policy in A Changing World Order*, pp.111-128, Available at: (Publisher: Routledge, [https://www.researchgate.net/publication/333852511\\_Geopolitics\\_Identity\\_and\\_Beyond\\_Turkey's\\_Renewed\\_Interest\\_in\\_the\\_Caucasus\\_and\\_Central\\_Asia](https://www.researchgate.net/publication/333852511_Geopolitics_Identity_and_Beyond_Turkey's_Renewed_Interest_in_the_Caucasus_and_Central_Asia)),(Accessed on: 17/4/2021)
- Kurmanbekova, Adinai, 2020, "Cooperation Council Of Turkic-Speaking States As An Instrument Of Turkey's Geopolitics In Central Asia". Central Asian Bureau of Analytical Reporting. (Available at: <https://cabar.asia/en/cooperation-council-of-turkic-speaking-states-as-an-instrument-of-turkey-s-geopolitics-in-central-asia>),(Accessed on: 1/5/2021)
- Mert Bilgin, 2017, "Energy And Turkey's Foreign Policy: State Strategy, Regional Cooperation And Private Sector Involvement", *Turkish Policy Quarterly*, Vol. 9, No. 2, pp. 81-92.
- Ozyakar, Ahmet, 2020, "The Role Of Turkey In Central Asia. The Institute for Islamic World Futures Studies", Available at: (Retrieved from: <https://iiwfs.com/en/the-role-of-turkey-in-central-asia/>), (Accessed on: 15/3/2021)
- Trading Economic. 2020a, "Turkey Exports To Turkmenistan | 2014-2020 Data | 2021-2022", Forecast | Historical. <https://tradingeconomics.com/turkey/exports-to-turkmenistan>
- Winrow, G, 2019, "The Southern Gas Corridor And Turkey's Role As An Energy Transit State And Energy Hub", *Insight Turkey*, Vol. 15, No.1, Available at:

- ([http://file.insightturkey.com/Files/Pdf/insight-turkey-Vol.15\\_No.1,2019\\_winrow.pdf](http://file.insightturkey.com/Files/Pdf/insight-turkey-Vol.15_No.1,2019_winrow.pdf)),(Accessed on:6/14/2020)
- Zeeshan Fida, 2018, "Central Asia's Place In Turkey's Foreign Policy", *Policy Perspectives*, Vol. 15, No. 1, pp. 113-125,  
<https://www.jstor.org/stable/pdf/10.13169/polipers.15.1.0113.pdf?>
- Арестакес Симаворян, 2018, турция и сотрудничество диаспор тюркоязычных странб, (Available at:  
[http://www.noravank.am/rus/articles/detail.php?ELEMENT\\_ID=17412](http://www.noravank.am/rus/articles/detail.php?ELEMENT_ID=17412)), (Accessed on: 14/7/2020)
- Дина Малышева Россия и Турция в Центральной Азии: партнерство или соперничество? [Электронный режим]. - Режим доступа: (Available at: <http://russiancouncil.ru/analytics-and-comments/analytics/rossiya-i-turtsiya-v-tsentralnoy-azii-partnerstvo-ili-sopern/>), (Accessed on: 15/5/2021)
- Елена Косолапова, 2015, Тюркоязычные страны на пути к интеграции, (Available at: <https://www.trend.az/casia/kazakhstan/2432673.html>),(Accessed on: 12/3/2020)
- Князев, 2016, Турция в Центральной Азии: традиции и парадигмы, <https://www.gumilev-center.ru/turciya-v-centralnoj-azii-tradicii-i-paradigmy-4/>
- С. И. Сумкин, 2016, ГЕОПОЛИТИЧЕСКОЕ ЗНАЧЕНИЕ СРЕДНЕЙ АЗИИ, Институт национальной и экономической безопасности, Байкальский государственный университет, (Accessed on:6/14/2020)
- Т. Джакупов(2018), ЦЕНТРАЛЬНАЯ АЗИЯ ВО ВНЕШНЕПОЛИТИЧЕСКОЙ КОНЦЕПЦИИ ТУРЦИИ, Постсоветские исследования. Т. 1. № 5 2018, file:///C:/Users/asus/Downloads/tsentralnaya-aziya-vo-vneshnepoliticheskoy-kontseptsii-turtsii%20(1).pdf.